

عصری سازی سیره و سبک زندگی معصومان علیهم السلام

ناصر رفیعی^۱

چکیده

سنت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام اعم از گفتار، رفتار و تقریرشان در کنار قرآن و وحی دومین منبع دریافت معارف دینی بوده و حجت است، براساس حدیث معتبر ثقلین نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، قرآن و عترت را به عنوان دو ثقل برای هدایت جامعه معرفی کرد. بخش عمده‌ای از زندگی آنان فرازمانی و فرامکانی بوده و اختصاص به دوران خاصی ندارد، گرچه بخش‌هایی از سیره آنها اختصاصی بوده و متأثر از شرایط حاکم بر زمان حضور معصوم است. تأسی به سیره و سبک زندگی معصومان علیهم السلام و استخراج اصول حاکم بر زندگی آنان به منظور عصری سازی و الگوپذیری در ابعاد مختلف زندگی امروزمین ما اثرگذار خواهد بود.

پژوهش حاضر ضمن تفکیک بین سیره و سبک زندگی فراگیر و قابل تأسی، و سیره اختصاصی و مبتنی بر مقامات معنوی معصومان علیهم السلام مانند عصمت به بیان مهم‌ترین اصول حاکم بر سبک زندگی معصومان علیهم السلام و مبنای این اندیشه می‌پردازد.

■ واژه‌های کلیدی

عصری سازی، سیره، سبک زندگی، معصومان، الگوپذیری.

۱. دانشیار گروه شیعه‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه، n.rafeil10@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

۱. مقدمه

یکی از راه‌های بنیادین و اساسی رشد شخصیت و شکوفایی استعداد، آشنایی با سبک زندگی انسان‌های وارسته و پیشتاز در کمالات معنوی است. دستیابی به سیره و سبک زندگی الگوهای نیکو و مطالعه ابعاد زندگی آنان، از مهم‌ترین راهکارهای تربیت نفوس پاک و اصلاح نابسامانی‌های اخلاقی است. براساس آموزه‌های وحیانی، رفتار و سبک زندگی معصومان علیهم‌السلام به‌عنوان والاترین آفریده‌های هستی برای همه دوران‌های زندگی بشر، چراغ راه است. شخصیت‌هایی که از عصمت، علم لدنی و ولایت تکوینی و تشریحی برخوردار بوده و خدای متعال آنان را پاکیزه قرار داده است (احزاب ۳۳).

بزرگوارانی که مردم به اطاعت محض از آنان فرمان داده شده (نساء ۵۹) و الگوی نیکو هستند (احزاب ۲۱). باید توجه داشت حیات نورانی آنان دو جنبه بشری و فرابشری دارد و آنچه مربوط به مقامات معنوی و فرابشری آنان است مانند جایگاه محدث بودن، تصرف در عالم هستی، خبر از غیب، طی الارض، پاسخگویی عالمانه به پرسش‌ها در کودکی و... قابل الگوبرداری نیست و از موضوع این نوشتار خارج است اما بخش عادی و بشری زندگی آن بزرگواران از دو منظر قابل بررسی است:

۱. رفتارهای فرازمان و فرامکان که در همه عصرها قابل الگوبرداری و اجراست مانند مدارا، حسن خلق، بردباری، حریت و آزادی و عزت‌مندی؛
 ۲. رفتارهایی که عنصر زمان و مکان در شکل‌گیری آن نقش داشته و متغیر است مانند سبک لباس پوشیدن، صلح، جنگ، غذا، خانه‌داری، تعداد فرزندان و... به‌عنوان نمونه لباس امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ساده و از جنس کرباس بود و وصله داشت به‌گونه‌ای که گاهی مورد اعتراض قرار می‌گرفت (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰) درحالی‌که امام صادق علیه‌السلام لباس فاخر و گاهی گران‌قیمت می‌پوشید و از این جهت نیز مورد اعتراض واقع می‌شد. داستان اعتراض سفیان ثوری به امام صادق علیه‌السلام گواه بر این مطلب است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵: ۶۵).
- نوشتار پیش رو، رفتارهای دسته اول را مورد بررسی قرار داده و به تحلیل عصری‌سازی آن می‌پردازد.

۲. رابطه سکولاریسم و عصری‌نگری

پیش از ورود به بحث سبک‌سازی و الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام در ابعاد مختلف

فردی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، سیاسی و... جا دارد نگاهی به اندیشه سکولارها در زمینه ناکارآمدی دین از اداره امور دنیا به‌ویژه حوزه سیاست و حکومت داشته باشیم؛ دیدگاهی که نتیجه باور به آن، انکار روزآمدی سیره معصومان^ع در شرایط کنونی است. اندیشه سکولاریسم به‌عنوان یکی از اصول اساسی مدرنیته، ریشه در مسیحیت و عملکرد نادرست متولیان کلیسا و محتویات ضعیف کتاب مقدس دارد، اندیشه‌ای که معادل عربی «علمانیّت» و فارسی «جدانگاری دین از دنیا» است و با رشد علم و صنعت در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت و به کشورهای اسلامی راه یافت.

مهم‌ترین اصول سکولاریسم عبارت‌اند از:

۱. اهتمام به علم و عقلانیت؛

۲. جدایی نهاد دین از حکومت؛

۳. حاکمیت مردم به جای حاکمیت الهی.

در دهه‌های اخیر این تفکر به یکی از جریان‌های فکری مهم جهان اسلام تبدیل شد به‌گونه‌ای که ایده سکولاریسم اسلامی را شکل داد (میراحمدی، ۱۳۸۷: ۹۷).

عقب‌ماندگی مسلمانان در عرصه‌های مختلف، رشد علم و دانش در غرب و خودکم‌بینی برخی شخصیت‌های اسلامی این اندیشه را تقویت کرد.

باورمندان به این ایده با تقلیل مفهوم سکولاریسم به ساحت سیاسی بر این باورند که تنظیم زندگی سیاسی نیازمند قوانین و ساختاری است که اسلام فاقد آن می‌باشد.

سکولاریسم اسلامی به‌مثابه سکولاریسم مطلق، به‌صورت کلی مرجعیت دین را در امور زندگی انکار نمی‌کند بلکه تنها منکر این مرجعیت در زندگی سیاسی و اجتماعی بشر است، اینان بر این باورند که در قرآن و سنت فقط اصول ارزشی مربوط به حکومت به‌عنوان شریعت ثابت بیان شده نه شکل آن، آنچه از مسائل شکلی حکومت در کتاب و سنت آمده مربوط به صدر اسلام است که مسلمان امروز موظف به حفظ آن نیستند (شبستری، ۱۳۹۳: ۶۴).

پیروان این اندیشه به‌صراحت مرجعیت دین را در زندگی سیاسی و اجتماعی زیر سؤال می‌برند.

در عصر جدید، سکولاریسم به معنای کنار گذاشتن آگاهانه دین از صحنه معیشت و سیاست معرفی شده است. حکومت سکولار، حکومتی است که با دین ضدیت ندارد اما دین را نه مبنای مشروعیت خود قرار می‌دهد و نه مبنای عمل خود (سروش، ۱۳۹۳: ۴۲۳).

اینان در نهایت سکولاریسم را جایگزین مذهب معرفی کرده و آن را فراتر از جدایی دین و سیاست می‌دانند.

بدین ترتیب سکولاریسم در همه ابعاد و شئون زندگی پیاده می‌شود از جمله در زندگی سیاسی، و در واقع سکولاریسم با بیانی که کردیم جای مذهب را می‌گیرد (همو، ۱۳۸۸: ۷۹). سکولاریسم اسلامی با تأکید بر ضرورت رعایت ارزش‌هایی همچون تقوا و عدالت در زندگی سیاسی و اجتماعی، مرجعیت دین را در تبیین این ارزش‌ها می‌پذیرد اما این به معنای پذیرش مرجعیت دین در تنظیم زندگی سیاسی براساس قوانین دینی نیست. بررسی متون دینی و وحی به‌خوبی آشکار می‌سازد این اندیشه، ایده‌ای فرقه‌گرایانه است که مبتنی بر برداشت خاص از آموزه‌های اسلامی است؛ برداشتی که مغایر با روح اسلام، آموزه‌های قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام است و می‌توان آن را «اسلام حداقلی» نامید و به‌طبع منجر به اندیشه تعدد قرائت از متون دینی خواهد شد (شبستری، ۱۳۸۴: ۱۸). نتیجه این باور نسبیت و فقدان معیار داوری در اعتباریابی معرفت‌های دینی است.

مروری بر آموزه‌های قرآن و سنت، سستی این دیدگاه را روشن می‌کند، قرآن کریم در یک اصل کلی می‌فرماید: *الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ* (حج، ۴۱). اقامه معروف و مبارزه با منکر دو اصل اساسی است که معصومان علیهم‌السلام همواره به آن اهتمام داشتند: *المعروف ما امرتم، المنکر نهیتم عنه* (زیارت جامعه کبیره)

شهید مطهری علیه‌السلام می‌فرماید:

هر مصلحی که موفق شد این چهار اصل مذکور را عملی سازد یعنی افکار و اندیشه‌ها را متوجه اسلام راستین سازد، بدعت‌ها و خرافات را از مغزها بیرون براند و به زندگی عمومی از نظر تغذیه، مسکن، بهداشت و آموزش و پرورش سامان بخشد و روابط انسانی انسان‌ها را براساس برابری، برادری و احساس اخوت و همسانی برقرار سازد و ساحت جامعه را از نظر نظامات و مقررات حاکم طبق الگوی خدایی اسلام قرار دهد به حداکثر موفقیت نایل آمده است (مطهری، بی‌تا: ۷۰).

باور ما به حاکمیت اسلام، تمام و کامل بودن آن، ثبات احکام در کنار آیات اجتماعی و

حکومتی قرآن کریم، نامه‌های رسول خدا ﷺ، خطبه‌های نهج البلاغه، سخنان و سیره معصومان و تشکیل حکومت نبوی و علوی گویای فرازمانی و فرامکانی بودن اسلام است، آموزه‌های اساسی مانند اقامه عدل، مبارزه با ظلم، دفاع از مظلوم، اجرای حدود، مساوات، تعاون و... برخاسته از روح دین است. دینی که علمیت و عقلانیت از ارکان اصلی آن محسوب شده و همواره به سنجش آموزه‌های دینی براساس داده‌های عقلی و علمی تأکید دارد، چگونه می‌تواند به سکولاریسم اسلامی باورمند باشد درحالی که همه معصومان در امور سیاسی و اجتماعی ورود داشته و هزینه آن را با زندان، تبعید و شهادت پرداخته‌اند. اگر حوزه دین منحصر به امور ارزشی و فردی بود، چرا امام حسین برای اقامه حکومت دینی شمشیر زد، سیره معصومان از پشتوانه‌های وحیانی و عقلانی برخوردار است که نمی‌توان آن را منحصر به سده‌های نخست تاریخ اسلام دانست، ارجاع مردم به فقها در دوران غیبت، تأکید بر مبارزه دائمی با ستمگران، برپایی عدالت و اقامه حدود الهی، مستلزم تشکیل حکومت و پیام‌آور عصری‌نگری و لزوم سبک‌سازی برای همه دوران‌هاست گرچه پاره‌ای از امور که اشاره خواهد شد متأثر از شرایط زمانی و مکانی است، اما چنین نیست که به کلی اندیشه سیاسی اسلام را منکر شده و صدها نص و شاهد تاریخی مبنی بر فراگیر بودن آموزه‌های دینی در همه عصرها را نادیده بگیریم.

۳. مبانی عصری‌سازی سیره معصومان

عصری‌سازی سیره معصومان و الگوگیری از سبک زندگی آن بزرگواران مبتنی بر مبانی و اصول موضوعه‌ای است که بدون شناخت و پذیرش آن مبانی، ارائه بحثی کاربردی ممکن نیست، مبانی‌ای که پذیرش یا رد آنها تأثیر مستقیم در ارائه چارچوب مباحث دارد. مهم‌ترین این مبانی عبارت‌اند از:

۳-۱. حجیت سیره معصومان

یکی از آموزه‌ها و باورهای اساسی ما اعتقاد به عصمت پیامبر اکرم و امامان است. عصمت یعنی مصونیت از هر گناه کبیره، صغیره، خطا و اشتباه، به تعبیر علامه حلی عصمت یعنی لطف خفی خداوند به بنده به‌گونه‌ای که دیگر انگیزه‌ای برای ترک اطاعت یا انجام معصیت در او نمی‌ماند هرچند توان آن را دارد (حلی، ۴۱۷ق: ۹). در مورد منشأ عصمت

دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است، مانند: تمامیت عقل، علم خاص، اراده قوی و حسن انتخاب، تسدید روح و لطف خاص الهی که در علم کلام مورد بحث قرار گرفته است (ر.ک: گلپایگانی و واعظ حسینی، ۱۳۹۳: ۵۱).

حجیت، فعل، قول و تقریر معصومان علیهم‌السلام مبتنی بر پذیرش عصمت است، دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر عصمت و لزوم تبعیت از معصومان علیهم‌السلام ارائه شده، آیات متعدد قرآن مانند (نساء، ۵۹؛ توبه، ۱۱۱؛ حشر، ۱۷؛ مائده، ۵۵) و روایات متعدد مانند حدیث ثقلین و منزلت بخشی از این ادله است (ر.ک: شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ۳۰۹).

۲-۳. لزوم تأسی به سیره معصومان علیهم‌السلام

انسان فطرتاً موجودی است اسوه‌یاب و الگوظلب، انسان‌ها متأثر از رفتار یکدیگرند، البته تقلید و پیروی بی‌قیدوشرط و کورکورانه ناپسند بوده و مطلوب نیست چنانچه در آیات قرآن کریم چنین تبعیتی به‌شدت سرزنش شده است (زخرف، ۲۳)؛ روش قرآن کریم ارائه الگوهای هدایتگر و مثبت، و معرفی افراد اغواگر و منفی است.

تأکید قرآن کریم بر پیروی از شخصیت‌هایی مانند حضرت ابراهیم علیه‌السلام (مریم، ۴۱)، حضرت اسماعیل علیه‌السلام (مریم، ۵۴)، حضرت موسی علیه‌السلام (مریم، ۵۱)، حضرت ادریس علیه‌السلام (مریم، ۵۶)، حضرت آسیه علیه‌السلام (تحریم، ۱۱) و تأکید بر دوری از چهره‌های منفی مانند فرعون (دخان، ۳۱)، نمرود (بقره، ۲۵۸)، بلعم باعورا (اعراف، ۱۷۱)، ابلیس (شعراء، ۹۵) و... شاهد بر این ادعاست.

قرآن کریم در یک اصل کلی می‌فرماید: **أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** (نساء ۵۹)، سرآمد الگوهای قرآنی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است (احزاب، ۲۱).

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

ولقد كان في رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم كاف لك في الاسوه ودليل لك على ذم الدنيا وعييها... فتاس بنبيك الاطهر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، فان فيه اسوه لمن تاسى وعزاء لمن تعزى؛ به تحقیق برای تو کافی است که روش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را سرمشق خود قرار دهی و راهنمای خود در نکوهش دنیا و مذمت و رسوایی فراوان و بدی‌هایش بشماری، پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او، الگویی است برای الگوظلبان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰).

قرآن کریم مخالفت با پیامبر ﷺ را موجب کیفر سخت می‌خواند (انفال، ۱۳) این آیات دلالت بر لزوم تبعیت محض از آن حضرت دارد، اطاعت پیامبر ﷺ مانند اطاعت خدا واجب است (نساء، ۸۰).

لزوم تاسی و تبعیت از سیره ائمه معصومین نیز در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است (نساء ۸۳)، (توبه ۱۱۱).
امیر المؤمنین می‌فرماید:

انظرو اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم واتبعوا اثرهم فلن یخرجوکم من هدی ولن یعیدوکم فی ردی فان لیدوا فالبدوا وان نهضوا فانهضوا ولا تسبقوهم فتضلوا ولا تتأخروا عنهم فتهلکوا؛ بنگرید به اهل بیت پیامبر خود و از طریقه ایشان جدا نشده و رفتارشان را پیروی کنید که هرگز شما را از راه راست بیرون نمی‌برند و به هلاکت و گمراهی بر نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید (بهج البلاغه، خطبه ۹۷).

حدیث متواتر ثقلین از مهم‌ترین ادله برای لزوم پیروی از اهل بیت پیامبر ﷺ است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۲۹۴)، مرحوم میرسیدحامدحسین هندی از ۱۸۷ تن از مشاهیر و حافظان حدیث و عالمان اهل سنت حدیث را روایت کرده است (ر.ک: میرسیدحامد حسین، ۱۳۶۶ش، ج ۱: ۱۶۷).

۳-۳. فرازمانی بودن تاسی به اهل بیت

سیره اهل بیت ﷺ در همه دوران‌ها قابل تاسی و الگوبرداری است. همراهی و معیت قرآن و اهل بیت ﷺ در حدیث ثقلین گویای آن است که حجیت سیره آنان مانند آیات قرآن منحصر به زمان خاصی نیست، اسلام دینی جهانی و فراگیر است. رسول خدا ﷺ برای همه انسان‌ها برانگیخته شده و اختصاص به دوران خاصی ندارد (اعراف، ۱۵۸) و حلال و حرام پیامبر پایدار و جاودان است.

حلال محمد حلال ابد الی یوم القیامه وحرامه حرام ابد الی یوم القیامه لایکون غیره ولا یجی

غیره؛ حلال محمد ﷺ همیشه تا روز قیامت، حلال است و حرامش همیشه تا روز قیامت حرام، غیر حکم او حکمی نیست و جز او پیامبری نیاید (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۵۴).

۳-۴. باور به اختصاصی بودن بخشی از سیره معصومان ﷺ

آثار متعددی در زمینه اختصاصات انبیا به رشته تحریر درآمده مانند *خصائص النبی* احمد بن محمد قمی (م ۳۵۰ق) و *الخصائص الکبری* جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ق)، همچنین مرحوم محقق حلی در شرایع ۱۵ مورد از اختصاصات پیامبر ﷺ را بیان کرده است (محقق حلی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۱۵).

خصایب مجموعه‌ای از احکام وضعی و تکلیفی است که به پیامبر اکرم ﷺ اختصاص دارد مانند وجوب نماز شب و عدم انحصار در ازدواج.

خاستگاه برخی اعمال معصومان ﷺ عصمت آنان است مانند مصونیت از گناه، به طبع چنین اموری قابل الگوبرداری نیست و از اختصاصات محسوب می‌شود.

۳-۵. شناخت اعمال تقیه‌ای

شناخت موارد تقیه در سیره معصومین ﷺ بسیار مهم است. تقیه، تاکتیکی بی‌نظیر برای صیانت از افراد است، تقیه را چنین معنا کرده‌اند: تقیه، پوشاندن عقیده و مخفی‌کاری و ترک آشکارسازی در مقابله با مخالفان است درجایی که ضرر دینی یا دنیایی در پی دارد (انصاری، بی‌تا: ۳۲۰).

رسول خدا ﷺ تقلید را شرط ایمان دانسته و فرموده‌اند: لاخیر فیمن لا تقیه ولا الایمان (برقی، ۱۳۷۰ق، ج ۱: ۲۵۷). در نقل دیگری تارک تقیه مانند تارک نماز شمرده شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۲۱۱). تقیه به منظور حفظ جان، دین و مال است، برای تحلیل سیره معصوم و عصری‌سازی آن باید موارد تقیه شناسایی شده و از تعمیم آن پرهیز شود، موارد تقیه به طور تخصصی از سیره اهل بیت ﷺ خارج است، اگر ثابت شد عمل معصوم از روی تقیه انجام شده نمی‌توان آن را ملاک عمل قرار داد. رفتارهای تقیه‌ای معصومان ﷺ با مراعات همان شرایط و ضوابط صدور و نقل، قابل تحلیل است نه اینکه در هر شرایطی قابل الگوبرداری باشد.

۳-۶. عدم تعارض در سیره معصومان

یکی از مبانی مهم عصری‌نگری سبک زندگی معصومان باور به هماهنگی و وحدت عملی بین اعمال آنان است، امام کاظم می‌فرماید: نحن فی العلم والشجاعه سواء وفی العطايا علی قدر مانومر؛ ما در علم و شجاعت مساوی هستیم و در بخشش‌ها به اندازه‌ای که فرمان داده شده‌ایم (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۲۷۵).

ناسازگاری و تعارض در اصول کلی حاکم بر سیره معصومان وجود ندارد گرچه اعمال و رفتار آنان با رعایت اصول حاکم در شرایط مختلف زمانی و مکانی با هم متفاوت است؛ اقتضای برخی شرایط، صلح و اقتضای برخی شرایط دیگر، جنگ است اما روح حاکم (مبارزه با ستم) یکی است، این مهم ممکن است در رفتار یک معصوم در زمان‌های متفاوت نیز مشاهده شود. بحث تأثیر عوامل متغیر بر صدور احکام و فعل معصومان از دیرباز مورد توجه عالمان دینی بوده است.

علامه حلی می‌فرماید:

احکام در شرع اسلام، منوط به مصالح است و مصالح به تغییر اوقات متغیر و به اختلاف مکلفان مختلف می‌شود. از این رو ممکن است حکم معینی برای قومی در زمان خاصی مصلحت باشد و به آن امر شود در حالی که برای قوم دیگری مفسده داشته باشد و مورد نهی قرار گیرد (حلی، ۱۴۳۲ق: ۱۵۱).

مرحوم شهید صدر در این رابطه می‌نویسد:

دین یک سری احکام ثابت و دگرگون‌ناپذیر دارد که در همه زمان‌ها و مکان‌ها یکسانند و بر یک نسق و قرارند و آنها احکام الهی نام دارند، روایت شریف حلال محمد به آن احکام اشعار دارد و یک دسته احکامی وجود دارد که در بسترها و زمینه‌های زمانی و مکانی گوناگون دگرگونی می‌پذیرند و دگرگونی آنها به دست حاکم اسلامی است و او تنها در دایره و قلمرویی که حکم الهی وجود ندارد و به اصطلاح منطقه الفراغ است، می‌تواند حکم صادر کند. منطقه الفراغ ناظر به بخشی از شریعت اسلامی است که به سبب ماهیت متغیر موضوعات آن، احکام آنها هم می‌تواند متغیر باشد (شهید صدر، ۱۳۷۵: ۶۸۶).

منطقه الفراغ به معنای قلمرویی از دین است که حکم شرعی معینی ندارد و حاکم اسلامی اجازه دارد با توجه به نیازها و شرایط زمانی و مکانی برای آن حکم و قانون وضع کند. مبنای کتاب *انسان ۲۵۰ ساله* نیز همین است. اگر تعارضی بین عملکرد یا سخنان معصومان علیهم السلام مشاهده شد باید با تکیه بر همان اصول حاکم و عملکرد و سیره آن بزرگواران، تعارض موجود را بررسی و حل کرد.

۳-۷. هماهنگی با قرآن، عقل و اصل حکمت و مصلحت

تلازم و عدل بودن اهل بیت علیهم السلام با قرآن کریم در زمینه مصونیت این دو ثقل و جدایی ناپذیری آن دو تا روز قیامت است، سیره معتبر و مستند اهل بیت علیهم السلام کاملاً در راستای قرآن است و از این رو در احادیث معصومان علیهم السلام عرضه روایات بر قرآن یکی از راه‌های بازشناسی روایات صحیح شمرده شده است. روایات معارض با قرآن، زخرف (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۱۰)، مردود (همان: ۱۱۸) و مضروب بر دیوار (طوسی، بی تا، ج ۱: ۵) خوانده شده است، در برخی روایات نیز ائمه علیهم السلام فرموده‌اند: لم اقله؛ من نگفته‌ام (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۶۹).

نکته دیگر، هماهنگی کامل سیره اهل بیت علیهم السلام با عقل و خرد است، عقل مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله، حجت درونی شمرده شده است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۱۶).
تعارض بین حکم قطعی عقل و سیره معصوم محال است.
آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید:

تعارض عقل قطعی با وحی قطعی ممکن نیست و بر فرض وقوع آن
علاج‌پذیر نخواهد بود یعنی تعارض بین دلیل عملی قطعی و وحی قطعی
محال است؛ زیرا مبنای همه ادله قطعی همان اصل امتناع جمع بین دو
نقیض است (ر.ک: جوادی آملی، مقاله علوم انسانی و هماهنگی وحی و عقل).

نکته سوم اینکه بین سیره معصوم و حکمت و مصلحت، تلازم است آنچه از آنان صادر می‌شود حکیمانه و براساس مصلحت جامعه اسلامی است، سکوت و قیام معصوم بر همین اساس تفسیر می‌شود گرچه گاهی اوقات برای یاران ائمه علیهم السلام نیز این تفاوت قابل توجیه نبود و برخی اعتراض یا پرسش می‌کردند. چنانچه جابر بن عبدالله انصاری از امام حسین علیه السلام

درخواست می‌کند که مانند برادرش امام حسن علیه السلام صلح کند و از رفتن به عراق منصرف شود امام در پاسخ فرمودند: آنچه برادرم انجام داد به فرمان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آنچه را هم من انجام می‌دهم به فرمان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است (قمی، ۱۳۷۵: ۱۰۲).

برای چگونگی عصری‌سازی سبک زندگی معصومان علیهم السلام و کارآمد کردن آن افزون بر شناخت مبانی که بیان شد، مراحل باید گذرانده شود که این مراحل عبارت‌اند از:

۱. امکان تأسی به سیره معصوم علیه السلام

ادعای عدم امکان الگوبرداری در سیره معصومان علیهم السلام به دلیل فاصله طولانی بین ما و آنان، ادعای نادرستی است همان‌طور که بیان شد با در نظر گرفتن محدودیت تأسی در زمینه افعال اختصاصی برخاسته از مقام عصمت و ولایت و در نظر گرفتن تقیه و شرایط حاکم بر زمان معصومان علیهم السلام نه تنها منعی از اقتدا به سیره معصومان علیهم السلام نداریم بلکه به این پیروی مأموریم؛ چراکه اصول حاکم بر این سیره، متأثر از شرایط زمانی و مکانی نیست و فراگیر است.

۷۹

۲. قلمرو تأسی و سبک‌سازی

تبعییت از سیره معصومان علیهم السلام در افعالی است که جنبه عمومی داشته و مانعی در شمول ندارد، بنابراین افعالی که به اقتضای مقام و منزلت خاص معصوم از ایشان صادر می‌شود مانند گفت‌وگو با حیوانات یا اموات از دایره بحث خارج است، سیره معصوم در امور عادی اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، نظامی، مدیریتی و... قابل تأسی است.

البته در مواردی مانند اعمال حج و نماز، عمل معصوم لزوم و وجوب فعل را می‌رساند و در مواردی، ترک معصوم دلالت بر حرمت دارد مانند ترک دروغ و تهمت، در مواردی هم مانند نماز شب، استحباب و در پاره‌ای موارد اباحه فعل را می‌رساند مانند کیفیت لباس، غذا، خواب و... . باید توجه داشت در امور عادی، شرایط پیرامونی زندگی معصومان علیهم السلام ملاحظه شود به‌عنوان نمونه، نظافت و پاکیزگی در سیره معصوم یک اصل است گرچه اجرا این اصل در زمان‌های مختلف و با شرایط حاکم، تغییر می‌کند. پرهیز از اسراف یک اصل است اما با توجه به شرایط و امکانات موجود تعریف می‌شود.

۳. تمایز قضایای شخصیه و حقیقیه

نخستین بار بحث قضایای حقیقیه و خارجییه توسط شیخ انصاری وارد اصول شد سپس

آخوند خراسانی و میرزای نائینی آن را گسترش دادند، قضایای خارجی یا شخصیه حکم را نسبت به زمان و مکان و نیاز مخاطب بیان کرده و قابلیت تسری ندارد مانند حرمت گوشت الاغ که مربوط به نبرد خیبر بود (مسلم، ۱۴۰۷ق: ح ۳۴۹۹) اما فقها این حکم را تعمیم نداده‌اند، ملاک قضیه خارجی آن است که حکم بر شخص مترتب است نه بر طبیعت و عنوان، حکم برای افراد محققه الوجود است یعنی افراد موجود و مشخص، اما قضیه حقیقیه گزاره‌ای است که در آن وصف یا حکم بر طبیعت و عنوان مترتب می‌شود گرچه افراد موجود و مشخصی مرآت آن‌اند، محور قضایای حقیقی همه افرادند چه موجود، چه مقدر.

آیت‌الله محمدی ری‌شهری می‌نویسد:

عمل و رفتار، فعلی خارجی‌اند که بنابر طبیعت قضایای خارجی، تابعی از شرایط محیطی، زمان و مکان‌اند. منشأ رفتار جزئی خارجی هر فرد، اصول کلی حاکم بر باورهای شخص کنشگر است که او را به انجام عمل و یا واکنشی خاص در آن شرایط سوق داده است، نتیجه آنکه رفتار خارجی پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ را که براساس شرایط محیط خاص شکل گرفته است، نمی‌توان در شرایط متفاوت با آن، کارآمد شمرد، از این‌رو لازم است ضمن زدودن ویژگی‌های محیطی اثرگذار در رفتار، به اصول حاکم بر رفتار پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ دست یافت و آن را به‌عنوان معیار و ملاک سبک زندگی مطرح کرد. گفتنی است که فراوانی گونه‌ای خاص از رفتار پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ در فضاهای متفاوت می‌تواند فعل خارجی و شخصی را به قضیه حقیقی پیوند زند، از این‌رو فراوانی و استمرار انجام رفتار خارجی نمایانگر سیره و سنت شمرده می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۴، ج ۱: ۶۵)

احراز قضایای حقیقیه و خارجی در سیره معصوم کار مهم و دشواری است. با احراز قضایای حقیقیه، قواعد عام از آن استخراج می‌شوند، عصری‌سازی سیره معصوم مرتبه بعد از تحلیل عملکرد معصوم و تمایز آموزه‌های متغیر و ثابت می‌باشد، گفتنی است برخی روشنفکران معاصر دیدگاه افراطی نفی واقع‌نمایی سنت را مطرح کرده‌اند، فقها اصل را بر حقیقی بودن قضایا می‌گذارند و برای اثبات خارجی بودن قضایا و وقایع، تابع دلیل هستند. دایره این بحث گسترده

است مواردی مانند استحباب نگه داشتن خروس سفید در منزل، حجامت، توصیه‌های پزشکی جزو کدام قضایاست، پاره‌ای موارد مانند تعدد همسر، تفاوت ارث زن و مرد، دیه، مصادیق نه‌گانه زکات، عده زن، حرمت مجسمه‌سازی و... چگونه تحلیل می‌شود. اینها و صدها مورد دیگر از مواردی‌اند که باید در موضوع عصری‌نگری مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۴. تفکیک بین سیره آرمانگرا و الگومحور

بخش‌هایی از سیره معصومان علیهم‌السلام جنبه فضیلتی و آرمانی دارند مانند ایثار ۳ شب نان به یتیم، مسکین و اسیر (انسان، ۸) که فراتر از یک الگوی عادی است و نمی‌توان از همگان توقع داشت قوت خود را به فقیر داده و خود گرسنه بمانند، زهد و سبک زندگی سخت‌گیرانه امیر المؤمنین علیه‌السلام که خود فرمود: لا تقدرن علی ذلک؛ شما توان بر انجام آن ندارید (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

۸۱

گرچه اقتدا به سیره آرمانگرا ممکن است اما از ظرفیت انسان‌های عادی خارج است مانند اقامه هزار رکعت نماز در شبانه‌روز توسط حضرت علی علیه‌السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱: ۱۷)، کارکرد سیره آرمانگرا و فضیلت‌محور، شناساندن مقام و جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام به مردم است تا اصولی را از آن استخراج کرده و با استواری در راه دین گام بردارند. بخش عمده سیره معصومان علیهم‌السلام، الگومحور است که قابل تأسی و تعمیم است؛ سیره الگومحور، واقع‌گراست. سیره معصوم در اعتدال، مدارا، مسئولیت‌پذیری، ظلم‌ستیزی، رعایت حقوق، عقلانیت و... از سنت و سیره الگومحور است.

۵. قاعده‌سازی و استخراج اصول حاکم

رفتار اهل‌بیت علیهم‌السلام تجسم عینی آیات قرآنی و ارزش‌های دینی است؛ ارزش‌هایی که در هر عصر و زمان منطبق با فطرت و خرد بوده و گذر زمان آنها را فرسوده نمی‌کند. لازمه عصری‌سازی زندگی معصومان علیهم‌السلام استخراج امور ثابت و حاکم بر زندگی آنان و قاعده‌سازی از این اصول است. قواعد دو قسم‌اند: منصوص و اصطیادی؛ قواعد منصوص آن دسته از قاعده‌هایی است که خاستگاهش قرآن و سنت است مانند قاعده لاضرر، اما قواعد اصطیادی قواعدی‌اند که علما از مجموعه روایات استخراج می‌کنند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌جای بیان بسیاری

از احکام جزئی به قاعده‌سازی روی آورد، ایشان قواعد عام و فراگیر مورد نیاز جامعه را در حوزه‌های مختلف بیان کرد به‌عنوان نمونه، در حوزه معاملات قاعده ید و قاعده المؤمنون عند شروطهم، در حوزه عبادات قاعده فراغ و تجاوز، در حوزه اعتقادات قاعده الاسلام یجب ما قبله، در حوزه فقه قاعده لاضرر و... .

قواعد نبوی در کلام معصومان علیهم‌السلام آهنگ جدی‌تر و برجسته‌ای داشت، آنان مکرر در کلامشان به قواعد نبوی استناد کردند. بنابراین شناخت اصول کلی و قواعد فراگیر در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت علیهم‌السلام یکی از مراحل مهم در عصری‌سازی سبک زندگی آن بزرگواران است.

۴. اصول حاکم بر سیره نبوی

در سیره معصومان علیهم‌السلام با یک سلسله از اصول مسلم و قطعی مواجهیم که آن بزرگواران هرگز به تعطیلی آن راضی نبوده و هرگز آن را زیر پا نگذاشته‌اند. این اصول نسبی و متغیر نیست و همانند چتری بر زندگی آنان سایه افکنده است، عصری‌سازی این اصول در سبک زندگی معصومان علیهم‌السلام باید مورد توجه قرار گرفته و لباس الگوپذیری بپوشد. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از:

۴-۱. اصل رعایت حدود الهی

کلمه حدّ به معنای مانع و فاصل بین دو چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: واژه حدّ). منظور از رعایت حدود الهی، مراعات مرزها، حرمت‌ها، قوانین و احکام الهی است که معصومان علیهم‌السلام به هیچ وجه در اجرای آن اجازه تخطی و کوتاهی نداده و خود نیز هرگز آنها را زیر پا نمی‌گذاشتند. قرآن کریم می‌فرماید:

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ اینها حدود الهی

است از آن فراتر نروید و هرکس که از حدود خدا فراتر رود ستمکار است (بقره، ۲۲۹).

گرچه آیه مربوط به موضوع طلاق است اما یک اصل کلی را بیان می‌کند که تجاوز از حدود الهی، ستم است، مرز و حدّ واجبات و محرّمات در هر حال باید رعایت شود. اباحی‌گری و حلال دانستن محرّمات الهی عذاب الیم دارد. معصومان علیهم‌السلام در این رابطه با نزدیک‌ترین بستگان خود نیز تعارف نداشته و اجازه حرمت‌شکنی نمی‌دادند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هرگاه مرزی از مرزهای دین نادیده گرفته می‌شد به شدت خشمناک می‌شد.

زنی از بنی‌مخزوم مرتکب خطایی شد، رسول خدا ﷺ حدی برای او صادر کرد، نزدیکان او از اسامه خواستند نزد پیامبر ﷺ شفاعت کند تا حکم را لغو نماید. آن حضرت سخت خشمناک شد، رنگ چهره‌اش برافروخته شد و برخاست، خطبه‌ای خواند و فرمود:

انما هلك من كان قبلکم انهم كانوا یقیمون الحدّ علی الوضیع و یترکون الشریف والذی نفسی بیده لو ان فاطمه فعلت ذلك لقطعت یدها؛ امتهای پیش از شما به این سبب هلاک شدند که حدود خدا را درباره فرودستان جاری نموده و بزرگان را رها می‌کردند. سوگند به آنکه جانم به دست اوست اگر فاطمه نیز چنین کرده بود دست او را قطع می‌کردم (بخاری ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۵۷۳).

این اصل فرازمانی و فرامکانی بوده و همگان بایستی از آن الگوبرداری کنند، در زیارتنامه اهل بیت ﷺ می‌خوانیم: و بیتم فرائضه واقتم حدوده (زیارت جامعه کبیره).

۲-۴. اصل عدالت و حق‌محوری

در منظومه فکری و اندیشه دینی معصومان ﷺ، اقامه حق و برپایی عدل در بین مردم یک اصل فراگیر و تغییرناپذیر است، قرآن کریم هدف بعثت انبیا را چنین شمرده‌اند (حدید، ۲۵) ابن عباس می‌گوید در منطقه ذی‌قار خدمت علی ﷺ رسیدم درحالی‌که مشغول وصله کردن کفش خود بود، فرمود: بهای این کفش چند است؟ گفتم ارزشی ندارد، فرمود: والله لهی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقاً او ادفع باطلا؛ به خدا سوگند این کفش نزد من محبوب‌تر است از امیری بر شما مگر آنکه به وسیله آن حقی را بر پا دارم یا باطلی را دفع کنم (نهج البلاغه، خطبه ۳۳).

قرآن کریم رسول خدا ﷺ را مأمور برپایی عدالت می‌داند (شوری، ۱۵). اداره امور جامعه جز با برپایی حق و عدالت به سامان نمی‌رسد، عدالت سبب قوام جامعه و بقای نظام است.

العدل قوام الرعیه و جمال الولاة؛ عدالت بر پا دارنده مردم و زینت حاکمان است (ری‌شهری، ۱۴۰۵ق، ش ۱۲۰۸۹).

برپایی این اصل لوازمی دارد از جمله یکسان دیدن مردم در اجرای حق و عدالت، عدم

ملاحظه روابط فردی و فرار نکردن از قانون است، امیر المؤمنین علیه السلام به مالک اشتر نوشت: ولا یكوننَّ المحسن والمسی عندک بمنزله سواء؛ هرگز نباید نیکوکار و بدکار نزد تو یکسان باشند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

پیروان اهل بیت علیهم السلام در الگوبرداری و عصری‌نگری از سیره و سبک زندگی معصومان علیهم السلام همواره باید به این اصل توجه کرده و هرگز این اصل مهم را منحصر به زمان حضور معصوم یا شرایط خاص نکنند. امروز نیز در اداره همه امور به‌ویژه در حکومت اسلامی برپایی حق و عدالت باید سرلوحه قوانین باشد.

۳-۴. اصل حریت و آزادگی

حریت و آزادمنشی یعنی بریدن از غیرخدا و تعلقات، و انقطاع الی الله، حریت یعنی در بند شهوت و نفس نبودن و زنجیر غیرخدا را از گردن برداشتن، انسان حر، زیر بار زور و ستم نمی‌رود، حریت عین عبودیت است.

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً؛ «بنده دیگران مباش درحالی که خداوند تو را آزاد آفریده است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

رسالت همه انبیای الهی، رساندن انسان‌ها به حریت و آزادی حقیقی است (نحل، ۳۶)؛ آنان مبعوث شدند تا انسان‌ها را از بند رقیت و اسیری بت‌ها و ستمگران نجات دهند (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷).

رسول خدا صلی الله علیه و آله نمونه کامل حریت و پیام‌آور آزادگی بود، او آمد تا همگان را از پرتگاه خرافات، اوهام، عادات و رسوم غلط، اندیشه‌های باطل، ستم‌پذیری و پرستش الهه دروغین برهاند (آل عمران، ۱۰۳).

جهت‌گیری سیره معصومان علیهم السلام بر تربیت نفوس حر و آزاد در همه عرصه‌های زندگی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: الحرّ حر علی جمیع احواله؛ انسان آزاده در همه احوال خود آزاده است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: ۸۹).

امیر المؤمنین علیه السلام در آغاز خلافتش فرمود:

ایّها الناس ان آدم لم یلد عبدا ولا امة وان الناس کلهم احرار؛ ای مردم،

حضرت آدم علیه السلام فرزندی بنده یا کنیز برجا ننهاد و مردم همگی آزاد آفریده

شده‌اند (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۸: ۶۹).

بر مبنای همین اصل، هرگز در زندگی معصومان علیهم‌السلام خدعه، مکر، خیانت، عهدشکنی و نقض پیمان مشاهده نمی‌شود. بزرگ‌ترین درس عاشورا و قیام امام حسین علیه‌السلام درس حریت و آزادگی است. امام و یارانش قطعه‌قطعه شدند اما زیر بار ظلم نرفتند. امام علیه‌السلام حتی در گودال قتلگاه نیز دشمن را دعوت به حریت کرد: فکونوا احرارا فی دنیاکم (خوارزمی، [ابی‌تا]، ج ۲: ۳۳). این اصل نیز از اصول موضوعه و ثابت در سیره همه معصومان علیهم‌السلام است که باید در سبک زندگی امروز ما عصری‌سازی شود. امام خمینی علیه‌السلام با الهام از سیره معصومان علیهم‌السلام نمونه‌ای از این دست بود که به مبارزه با طاغوت پرداخت.

۴-۴. اصل مساوات عمومی و تعاون

نگاهی گذرا بر سبک زندگی معصومان علیهم‌السلام گویای تعاون، تکافل اجتماعی، مساوات، همیاری، یادگیری، مددکاری و دستگیری از مردم است. مواسات یعنی غم دیگران را غم خود دانستن و جامعه انسانی را مانند پیگیری واحد خواندن که با آسیب هر عضو، اعضای دیگر متأثر و متالم می‌شوند (احمدبن حنبل، [ابی‌تا]، ج ۴: ۲۷۶). در دیدگاه معصومان علیهم‌السلام کسی که سیر بخوابد درحالی که برادر مسلمانش گرسنه است، ایمان ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۴۶۵). قرآن کریم برای فقرا و محرومان حق معلومی در مال مردم قرار داده است (معارف، ۲۴-۲۵). رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: ما آمن بالله من شیع واخوة جائع ولا آمن بالله من اکتسی واخوة عریان؛ به خدا ایمان ندارد کسی که سیر باشد و برادرش گرسنه و به خدا ایمان ندارد کسی که پوشیده باشد و برادرش عریان (طبرسی، ۱۳۹۲ق: ۳۴).

اسلام، پیام‌آور همدلی و مواسات است، ده‌ها حکم و قانون در اسلام در راستای زدودن گرفتاری‌های نیازمندان تدارک شده که خمس، زکات، صدقه، ایثار، انفاق و قرض بخشی از آن است. مواسات و احسان، عادت و منش معصومان بوده است: عادتکم الاحسان. جهت‌گیری زندگی آنان گویای این مطلب است. افطار با آب و دادن سه شب نان به مسکین و یتیم و اسیر (انسان، ۸)، بخشیدن انگشتر در حال رکوع (مائده، ۵۵)، نان بردن درب خانه فقرا در شب تاریک، اهدا لباس عروسی توسط حضرت زهرا علیها‌السلام (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰: ۴۰۱) بخشی از این سیره است.

امروزه با توجه به شرایط و نیازهای روز جامعه، وظیفه مردم اقتدا به سیره معصومان علیهم‌السلام در تعاون و یاری محرومان است به‌طبع این مدرسانی باید با رعایت کرامت افراد فقیر، نیازسنجی و پرهیز از شهرت و تکدی‌پروری باشد.

۴-۵. اصل رفق و مدارا

مدارا، نرم‌خویی، مهربانی، ملایمت، تحمل و بردباری لازمه زندگی اجتماعی است. انسان موجودی تعامل‌گرا و اجتماعی است به طبع در تعامل افراد با یکدیگر، درگیری‌هایی پیش می‌آید که برای تحکیم روابط اجتماعی و مناسبات انسانی همگان دعوت به مدارا شده‌اند تا بتوانند با یکدیگر زندگی کنند.

رسول خدا ﷺ فرمود: ان الله تعالى امرني بمداراه الناس كما امرني بآداء الفرائض؛ خدای متعال همان‌گونه که مرا بر انجام واجبات فرمان داد، به مدارا کردن با مردمان امر کرد (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: ۱۱۷).

اگر رفق و مدارای رسول خدا ﷺ نبود هرگز به هدایت و ایجاد تحول در افراد موفق نمی‌شد (آل عمران، ۱۵۹).

البته مدارا یعنی مدهانه، سازش و سستی نیست؛ مدهانه عقب‌نشینی از مواضع و فدا کردن حق است که مورد علاقه مشرکان بود (قلم، ۹) اما مدارا یک اصل اجتماعی به معنای پرهیز از خشونت و سخت‌گیری در روابط و تعاملات انسانی است.

مدارا محورهای فراوانی دارد؛ مدارا در دینداری و تبیین مسایل دینی، مدارا با خطاکاران، مدارا با همسایگان، بدهکاران، خانواده، مخالفان، بیماران و... بخشی از آن است. اصل مدارا حاکم بر سبک زندگی معصومان ﷺ بود و با همین شیوه صدها نفر را هدایت کرده و مانع انحراف آنها شدند، امروزه این اصل نیز باید عصری‌سازی شود به‌ویژه در تعامل با دیگران که بعضاً با آموزه‌های دینی مواجهه منفی و رویایی دارند.

۴-۶. اصل زهد و ساده‌زیستی

زهد و وارستگی، زیرساخت عزت و اقتدار جامعه است؛ زهد یعنی امیری بر دنیا و عدم وابستگی. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: ما عبدالله بشی افضل من الزهد فی الدنيا؛ خداوند به چیزی برتر از زهد در دنیا بندگی نشده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳: ۵۰).

زهد به معنای ترک دنیا نیست بلکه معنای حقیقی زهد، پشت کردن به دنیا و توجه به آخرت است در برابر حرص و رغبت به دنیا (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۹۷). همان‌گونه که حضرت علیؓ با استناد به آیه ۲۳ سوره حدید، زهد را تأسف نخوردن بر آنچه از دست رفته و شادی نکردن به آنچه به‌دست آمده می‌داند (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹).

در روایات، زهد ناظر به اسراف نکردن، شکر نعمت‌ها، کوتاهی آرزوها، پرهیز از غرور، اکتفا به داشته‌ها تفسیر شده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۴، ش ۲۲۲۷).

پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ زاهدترین مردم زمان خود بودند، تربیت‌یافتگان مدرسه معصومان ﷺ نیز از دنیا پرهیز داشته و دل در گرو آخرت دارند؛ آنان دنیا را منزلگاه ناپایدار و موقت دانسته و هرگز به آن فریفته نمی‌شوند (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳).

ساده‌زیستی و قناعت یکی از جلوه‌های زهد در دنیاست، منطق عملی رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ بر پیرایگی، بی‌آلایشی، عدم تکلف و سادگی استوار بود: کان رسول الله ﷺ خفیف المؤمنه؛ رسول خدا ﷺ در زندگی کم‌هزینه بود (دیلمی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۱۵).

امیر المؤمنین ﷺ در توصیف پیامبر ﷺ می‌فرماید: پیامبر ﷺ روی زمین غذا می‌خورد و مانند بندگان می‌نشست و با دست خود کفش را تعمیر می‌کرد و جامه خود را وصله می‌زد و بر الاغ بی‌پالان سوار می‌شد و افراد را پشت سرش سوار می‌کرد (نهج البلاغه، خطبه ۶۰).

ساده‌زیستی و قناعت در مرتبه رهبری و اداره جامعه یک وظیفه است (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹).

این اصل همیشگی و پایدار است اما قالب ثابتی ندارد گرچه حدود آن معین است. پرهیز از اسراف، اتراف، تجمل، ریخت‌وپاش و رعایت قناعت، کفاف، عفاف و اعتدال، جایگاه آن را روشن می‌سازد البته شرایط زمان و مکان نیز در آن تأثیر دارد.

۴-۷. اصل اعتدال و میانه‌روی

روح حاکم بر معارف قرآن کریم، اعتدال و میانه‌روی در همه امور اعتقادی، فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی است؛ خدای متعال، امت اسلامی را امت وسط معرفی کرده است (بقره، ۱۴۳) یعنی امت میانه و دور از افراط و تفریط، اعتدال اصلی است که بر همه تعالیم اسلامی احاطه دارد.

اعتدال در عقیده یعنی نه شرک، نه غلو، نه جبر، نه تفویض، نه تشبیه، نه تعطیل؛ اعتدال در اقتصاد یعنی نه اسراف و نه بخل؛ اعتدال در عبادت یعنی نه رهبانیت و نه سستی؛ اعتدال در امور اجتماعی یعنی نه فراموشی خود، نه غرق شدن در روابط با مردم، نه کناره‌گیری از جامعه و نه ذوب شدن در جامعه. روش رسول خدا ﷺ میانه‌روی بود: سیرته القصد (نهج البلاغه، خطبه ۹۴).

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: من اراد السلامه فعلیه بالقصد؛ هرکسی خواهان سلامت است باید میانه روی پیشه کند (آمدی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۵۹۶).

ائمہ علیهم السلام پیروان خود را از تندروی‌ها و کندروی‌ها بر حذر می‌دانسته و برخورد امیر المؤمنین علیه السلام با دو برادر به نام‌های عاصم بن زیاد و علاء بن زیاد گواه بر این مطلب است (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۹).

امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که جوان بودم در عبادت سخت می‌کوشیدم، پدرم به من فرمود: یا بنی‌دون ما اراک تصنع فان الله عزوجل اذا احبّ عبداً رضی عنه بالیسیر؛ فرزندم کمتر از آنچه می‌بینم عبادت کن؛ زیرا خداوند عزوجل اگر بنده‌ای را دوست داشته باشد به عبادت اندک او هم خشنود می‌شود (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: ۸۷).

اصل اعتدال باید مانند چتری بر همه امور زندگی ما سایه بیاندازد، قرآن کریم حتی در انفاق هم توصیه به اعتدال دارد (فرقان، ۶۷)، ما بیشترین ضربه‌ها را از تندروی‌ها خوردیم؛ غلو و تفریط دو روی یک سکه‌اند که باعث کندی حرکت رشد و تعالی می‌شوند. اهل بیت علیهم السلام به ما توصیه کرده‌اند در همه امور زندگی با ما باشید نه متقدم نه متأخر: المتقدم لهم مارق والمتاخر عنهم زاهق (صلوات شعبانیه).

۸-۴. اصل عزت و اقتدار

یکی از بنیادی‌ترین اصول حاکم بر سبک و سیره زندگی معصومان علیهم السلام اصل عزت است. عزت یعنی استواری، شکست‌ناپذیری، استحکام. ارض عزاز یعنی زمین سخت و محکم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، لغت عزت) و صلابت، اقتدار، غیرت و غلبه در معنای آن نهفته است. در یک اصل کلی خدای متعال می‌فرماید: وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت برای خدا و پیامبر او و مؤمنان است (منافقون، ۸).

معصومان علیهم السلام پیام‌آور عزت برای جامعه بودند و همواره پیروان خود را از ذلت و درماندگی بر حذر می‌داشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: لا ینبغی لمؤمن ان یدلّ نفسه؛ برای مؤمن روا نیست خود را خوار سازد (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵: ۶۳).

ابابصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: ان الله تبارک و تعالی فوّض الی المؤمن کل شی الا اذلال نفسه؛ خدای تبارک و تعالی همه چیز مؤمن را به او واگذار کرده جز آنکه خود را خوار کند (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۶۳).

عزت ثمرهٔ اسلام و بندگی خداست، انسان حق ندارد این نعمت الهی را نادیده بگیرد، مروری بر زندگی معصومان^ع گویای حاکمیت این اصل در زندگی آنهاست، فریاد امام حسین^ع روز عاشورا که فرمود: هیئات منا الذله (ابن‌طاووس، ۱۳۷۵: ۹۷) در همین راستاست. مفضل گوید امام صادق^ع فرمود: لا ینبغی للمؤمن ان یدل نفسه؛ سزاوار نیست که مؤمن خود را خوار سازد، مفضل پرسید چگونه مؤمن خوار می‌شود، امام فرمود: یدخل فیما یتعذر منه؛ در کاری وارد می‌شود که مجبور به عذرخواهی می‌گردد (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵: ۶۳). معصومان^ع همواره عزت‌مندانه زندگی کرده و به پیروان خود نیز اجازه ذلت‌پذیری ندادند، آنان عزت‌مندی را در پرتو بندگی خدا، بی‌نیازی از خلق، ناامیدی از مردم، امیری بر دنیا و قناعت خوانده و آن را عامل قدرت و اقتدار می‌دانستند. امیر مؤمنان^ع فرمود: من اطاع الله عزّ وقوی؛ کسی که اطاعت خدا کند عزیز و قدرتمند می‌شود (واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۴۸). این اصل نیز از اصول ثابت و لا یتغیّر زندگی آن بزرگواران است.

۸۹

آنچه بیان شد بخشی از اصول ثابت و حاکم بر زندگی معصومان^ع بوده است، اصول دیگری مانند ظلم‌ستیزی، عقلانیت، تفکر، استقلال‌طلبی، نظم، صبر، تکریم، مشورت، اخوت، محبت، شرح صدر، وفای به عهد، حق‌گویی و... نیز در جای خود قابلیت بررسی دارند.

نمونه‌هایی از اصول متغیر

اصول ثابت و حاکم بر سبک زندگی معصومان^ع فرازمانی و فرامکانی بود و همیشه قابل الگوبرداری و عصری‌سازی است، اما برخی امور در سیرهٔ ایشان متأثر از شرایط حاکم بر جامعه آن روز است. به نمونه‌هایی از این دسته رفتارها اشاره می‌شود:

۱. کیفیت پوشش و لباس

یکی از نیازهای ضروری بشر، داشتن پوشش مناسب است. لباس یک نماد فرهنگی، ملی، مذهبی و اجتماعی برای افراد محسوب می‌شود، لباس در هر زمان و جامعه‌ای تابع شرایط اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی هر منطقه است البته باید و نبایدهای کلی و ثابتی دارد که فرازمانی و فرامکانی است.

حلیت، ستر، طهارت، عدم تحریک، عدم تشبیه به دشمن، عدم شهرت و... برخی از ویژگی‌های ثابت برای پوشش است. امام صادق^ع می‌فرماید: لا تلبسوا لباس اعدائی

(ری شهری، ۱۴۰۵ق، ۹۳۰۸). نوع لباس در زمان‌های مختلف، متغیر بوده و تابع شرایط زمانه است و از این رو لباس امام صادق علیه السلام با امیر المؤمنین علیه السلام متفاوت بود.

حماد بن عثمان می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که شخصی به ایشان عرض کرد، امیر المؤمنین لباس خشن می‌پوشید اما شما لباس نیکو بر تن دارید، امام فرمود: انّ علی بن ابی طالب کان یلبس ذلک فی زمان لا ینکر و لولیس مثل ذلک الیوم لشهر به فخیر لباس کل زمان لباس اهله؛ امیر المؤمنین علیه السلام در زمانی آن لباس را می‌پوشید که متعارف بود اگر امروز کسی آن لباس را بپوشد، بدان شهرت می‌یابد، پس بهترین لباس هر زمانی همان لباس است که اهل آن زمان می‌پوشند (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۶: ۴۴۶).

کیفیت پوشش معصومان علیهم السلام با هم متفاوت است نمی‌توان آن را به صورت کلی، سبک‌سازی و عصری‌نگری کرد.

۲. خضاب و رنگ کردن موی سر و صورت

یکی از آموزه‌های نبوی توصیه به خضاب موی سر و صورت است حتی در برخی زمان‌ها به آن امر شده است، مرحوم کلینی بابتی را به این موضوع اختصاص داده (همان، ج ۸: ۴۹۶) از امیر المؤمنین علیه السلام درباره پیامبر صلی الله علیه و آله سوال شد که فرمود: غیروا الشیب و لا تشبهوا بالیهود؛ پیری را تغییر دهید و خود را به یهود شبیه نکنید. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: انما قال صلی الله علیه و آله ذلک و الدین قلّ فاما الان و قد اسع نطاقه و ضرب بجرانه فامرؤما اختار (نهج البلاغه، حکمت ۱۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی این سخن را فرمود که اهل دین در اقلیت بودند اما در این زمان که کمربند دین گشاده شد و اسلام گسترش یافته و سینه خود را بر زمین نهاده (محکم شده) هر مردی به اختیار و اراده خود است (خضاب کند یا نکند).

خضاب کردن سر و مو در هر زمان، امر ثابتی نیست ممکن است به تغییر شرایط زمانه، تغییر کند، کما اینکه خود امیر المؤمنین علیه السلام خضاب نمی‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۷۳) در حالی که امام حسین علیه السلام خضاب می‌کرد.

۳. برخورد با اسیران جنگی

در نقلی آمده امیر المؤمنین علیه السلام در نبرد جمل، دستور آزادی اسیران را صادر کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: زیرا آن حضرت می‌دانست در آینده قدرت در دست دیگران قرار می‌گیرد

اگر امروز سختگیری کند در آینده به نفع شیعیان نخواهد بود؛ در ادامه روایت آمده، سیره امام زمان علیه السلام چنین نیست:

ان القائم علیه السلام یسیر منهم بخلاف تلک السیر، لانه لادوله لهم؛ سیره حضرت مهدی علیه السلام با اسیران بر خلاف سیره امیر المؤمنین علیه السلام خواهد بود؛ زیرا دیگر هیچ دولتی به دست دیگران نخواهد افتاد (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۵: ۳۳).

روش امیر المؤمنین علیه السلام در برخورد با مجرمان جنگ جمل و صفین نیز متفاوت بود. هنگامی که یحیی بن اکثم علت این موضوع را از امام علیه السلام جویا شد، ایشان فرمودند: در جمل پیشوا و فرمانده (طلحه و زبیر) کشته شده بود و سپاه دیگر جمع نمی‌شد و به خانه‌هایشان می‌رفتند بدون اینکه مخالف و معاند باشند اما در صفین فرمانده زنده بود و گروهی باز می‌گشتند، به همین دلیل حکم آنها یکسان نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵: ۷۶).

تفاوت عملکرد دو جنگ در زمان یک معصوم به شرایط حاکم در آن زمان برمی‌گردد و نمی‌توان عملکرد امام را یک الگوی ثابت دانست.

۴. امام حسن و امام حسین علیهما السلام در عرفه

مسروق خادم نقل می‌کند روز عرفه وارد خیمه امام حسین علیه السلام شدم، دیدم همه روزه هستند و قرآن در مقابلشان، سؤالی از امام پرسیدم، سپس وارد خیمه امام حسن علیه السلام شدم، دیدم همه در حال غذا خوردن هستند، امام مرا دید و فرمود: یا مسروق لم لا تاکل؟ چرا غذا نمی‌خوری. گفتم روزه‌ام، اعوذ بالله ان تکونوا مختلفین؛ به خدا پناه می‌برم از اختلاف عملکرد شما، دیدم برادرتان روزه بود و شما در حال غذا خوردن؟ فضمنی الی صدره وقال یابن الاشرس اما علمت ان الله تعالی ندبنا بسیاسه الامه، لو اجتمعنا علی شی ما وسعکم غیره انی افطرت لمفطرکم وصام اخی لصوامکم؛ مرا به سینه چسبانید و فرمود: نمی‌دانی خدا ما را برای تدبیر امور امت فراخوانده است؟ اگر ما یک روش را در پیش گیریم آنگاه روش دیگری برای شما نخواهد بود، من افطار می‌کنم تا آنکه الگوی افرادی باشم که روزه نیستند و برادرم روزه می‌گیرد تا الگوی افراد روزه‌دار باشد (قمی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲: ۱۹۸).

این روایت به‌صراحت می‌رساند گاهی تفاوت عملکرد دو معصوم در یک زمان برای ایجاد توسعه بر مردم است، پس نمی‌توان یک رفتار خاص را ثابت فرض کرد و آن را عصری‌سازی کرد باید به هر مورد با در نظر گرفتن شرایط توجه کرد.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم، رسول خدا ﷺ را الگوی حسنه معرفی کرده و همگان را به پیروی از آن حضرت و اولوالامر یعنی امامان معصوم ﷺ فرمان داده است. به‌رغم گذشت ۱۴ قرن از حیات نورانی آن بزرگواران، بخش عمده‌ای از سیره و سبک زندگی آنان که جنبه اختصاصی نداشته و مبتنی بر مقامات خاصی مانند عصمت نیست، قابل عصری‌سازی و الگوپذیری است. متأسفانه سنت عملی و سیره فعلی معصومان ﷺ به اندازه سنت گفتاری آنان مورد توجه قرار نگرفته و با نگاه حداقلی مواجه بوده است. به باور ما دین نقش حداکثری در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد و متکفل سعادت دنیا و آخرت است، معارف دینی ما برخاسته از دو منبع نورانی قرآن و سنت است، سنت به باور شیعه شامل سخن، عملکرد و امضای همه معصومان ﷺ می‌شود. بی‌تردید بخشی از عملکرد معصومان ﷺ جنبه اختصاصی داشته و متأثر از مقامات ویژه‌شان است مانند تکلم با حیوانات، احیای مردگان و شفای بیماران و بخشی از عملکردشان تابع شرایط حاکم بر زمان حضور معصوم است، مانند شیوه لباس پوشیدن، اما اصول فراگیر، پرتکرار و گسترده مانند اصل حق‌محوری و عدالت در زندگی آنان، اختصاصی نبوده و در سرتاسر زندگی نورانی آنان به چشم می‌خورد، در پژوهش حاضر به موارد هشت‌گانه‌ای از این اصول پرداخته شد و به نمونه‌هایی از امور متأثر از زمان و مکان اشاره شده پیشنهاد می‌شود. پژوهشگران دیگر نیز می‌توانند محورهای عصری‌سازی زندگی معصومان ﷺ را به صورت جزئی‌تر در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵). **علل الشرايع**، قم: کتاب‌فروشی داوری.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۵)، **اللهوف علی قتلی الطفوف**، تهران: نشر اسوه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، **لسان العرب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. احمد بن حنبل (بی‌تا)، **المسند**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۰۷ق)، **غرر الحکم ودرر الکلم**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۸. انصاری، مرتضی (بی‌تا)، **رسائل الفقهیه**، قم: چاپ نمونه.
۹. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، **صحیح البخاری**، بیروت: دار العلم.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰ق)، **المحاسن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل‌البتیة.
۱۲. حلی اسدی، جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۷ق)، **النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر**، الطبعة الثانية، بیروت: دار الاضواء للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۳. حلی، حسین (۱۴۳۲ق)، **اصول الفقه**، قم: مکتبه الفقه والاصول المختصه.
۱۴. خوارزمی، موفق بن احمد (بی‌تا)، **مقتل الحسین**، قم: مکتبه المفید.
۱۵. دیلمی، ابومحمد حسن بن محمد (۱۳۹۸ق)، **ارشاد القلوب**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دار القلم.
۱۷. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۴)، **سیره پیامبر خاتم**، قم: مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث.
۱۸. _____ (۱۴۰۵ق)، **میزان الحکمه**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۹. سروش، عبدالکریم (۱۳۹۲)، **مدارا و مدیریت**، چاپ پنجم، تهران: صراط.
۲۰. _____ (۱۳۸۸)، **سنت و سکولاریسم**، چاپ پنجم، تهران: صراط.
۲۱. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۹۳)، **هرمنوتیک کتاب و سنت**، چاپ هشتم، تهران: طرح نو.
۲۲. _____ (۱۳۸۴)، **تأملاتی در قرائت انسانی از این**، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
۲۳. شوشتری، قاضی نورالله (۱۴۰۹ق)، **احقاق الحق و ازهاق الباطل**، قم: مکتبه آیه الله المرعشی المرعشی النجفی.
۲۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۷۵)، **اقتصادنا**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۲ق)، مکارم الاخلاق، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم: نشر اسوه.
۲۹. _____ (۱۳۷۵)، نفس المهموم با ترجمه در کربلا چه گذشت، قم: نشر اسوه.
۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. محقق حلی، نجم‌الدین ابوالقاسم (۱۳۸۵)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۳۲. مطهری، مرتضی (بی تا)، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، تهران: صدرا.
۳۳. میراحمدی، منصور (۱۳۸۷)، سکولاریسم اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۴. میرسید حامد حسین (۱۳۶۶)، عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار، چاپ دوم، اصفهان: کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام.
۳۵. نوری طبرسی، حسن بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
۳۶. واسطی لیبی، علی بن محمد (۱۳۷۶ق)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.